

Comparative Study between Baha' al-Din Naqshband Bukhari's Two Books of Anis at-Talibin and Maqamat

Hajar Jamali *

Assistant Professor, Department of Persian
Language and Literature, Amin Police
University, Tehran, Iran

Maryam Hosseini 

Professor, Department of Persian Language and
Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract


These two books Anisatolibin and Maqamat-e-Naqshband are among the oldest and most important sources about Baha' al-Din Naqshband (718 -791) and his principles. More resources about Baha' al-Din Naqshband are often taken from Anis at Talibin book and many of the Maqamat's topics are shared by Anis at Talibin. In this article, Baha' al-Din and his principles were introduced from the point of view of the authors of these two books and then the comparative analysis of the two works, the style of writing, the amount of poetry, ideas, and common themes, the position of women, miracles as well as the type and direction of miracles in them, should be examined. The comparative comparison of the two books showed that a large proportion of the Maqamat-e-Naqshband shared with Anis at Talibin and this suggests that Anis at Talibin was probably one of the main sources of the author of the Maqamat-e-Naqshband.


Keywords: Baha' al-Din Naqshband Bukhari, Naqshbandiyyah, Anis at-Talibin, Maqamat-e-Naqshband, Karamat.

* Corresponding Author: jamalis1349@gmail.com

How to Cite: Jamali, H., Hosseini, M. (2022). Comparative Study between Baha' al-Din Naqshband Bukhari's Two Books of Anis at-Talibin and Maqamat. *Literary Text Research*, 26(93), 35-64. doi: 10.22054/LTR.2020.44214.2741

مقایسه تطبیقی دو کتاب انیس الطالبین و مقامات خواجه بهاءالدین نقشبند

هاجر جمالی *  استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

مریم حسینی  استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

چکیده

دو کتاب انیس الطالبین و مقامات خواجه نقشبند، از جمله قدیم‌ترین و مهم‌ترین منابع درباره بهاءالدین نقشبند (۷۱۸-۷۹۱) و اصول طریقت اوست. اطلاعات بیشتر منابع درباره بهاءالدین نقشبند اغلب از کتاب انیس الطالبین گرفته شده و بسیاری از مضامین موجود در مقامات وی با کتاب انیس الطالبین مشترک است. در این مقاله سعی شد، بهاءالدین و طریقت او از منظر نگاه مؤلفان دو کتاب معرفی شود و سپس ضمن تحلیل و مقایسه تطبیقی دو اثر، سبک نگارش، میزان اشعار، عقاید و مضامین مشترک، جایگاه زن، کرامات و همچنین نوع و جهت کرامات موجود در آنها، مورد بررسی قرار گیرد. مقایسه تطبیقی دو کتاب نشان داد که بخش‌های زیادی از مقامات نقشبند با انیس الطالبین مشترک است و این امر نشان‌دهنده این است که احتمالاً انیس الطالبین یکی از جمله منابع عمده مؤلف مقامات نقشبند بوده است. همچنین در انیس الطالبین درصد کرامات معنوی و در مقامات نقشبند، کرامات مادی بیشتر است. در هر دو کتاب آگاهی از آنچه برای دیگران رخ داده در میان کرامات معنوی، و از هوش بردن و باز به هوش آوردن افراد در میان کرامات مادی، بیش از سایر کرامات‌ها است.

کلیدواژه‌ها: بهاءالدین محمد نقشبند، نقشبندیه، انیس الطالبین، مقامات خواجه نقشبند، کرامات.

مقدمه

بهاء‌الدین محمد نقشبند که طریقت نقشبندیه به نام او موسوم گشته از عرفای بزرگ قرن هشتم هجری است. چندین کتاب در شرح احوال، اقوال و مقامات وی نوشته شده است. یکی از کهن‌ترین کتاب‌هایی که تاکنون در احوال او و اصول طریقت نقشبندیه، نوشته شده است، کتاب انیس الطالبین است. بیشتر محتویات کتاب‌هایی مانند رشحات، قدسیه و یا نفعات الانس جامی که مطالبی درباره نقشبند و نقشبندیه نوشته‌اند، برگرفته از این کتاب می‌باشد. کتاب مقامات نقشبند نیز که درباره‌ی خواجه بهاء‌الدین و کرامات وی نوشته شده است تا حدود زیادی از نظر محتوا به انیس الطالبین نزدیک است.

امروزه تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها، اهمیت مطالعاتی خاصی پیدا کرده است و در جهت شناخت بزرگان و آثار آن‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. مقایسه تطبیقی میان آثار بزرگان، می‌تواند به شناخت بهتر آنان و نیز تبیین میزان تأثیرپذیری آنان از یکدیگر، منجر شود. بر همین اساس در تحقیق حاضر تلاش می‌شود وجوه مشابهت و مفارقت دو اثر (انیس الطالبین و مقامات نقشبند) از جهت ظاهر و محتوا بررسی و تبیین شود. به این منظور نخست به معرفی بهاء‌الدین نقشبند، طریقت او (نقشبندیه) و مؤلفان مقامات و همچنین شیوه نگارش و نوع نثر و کرامات در این دو کتاب پرداخته می‌شود و در پی آن تحلیل و مقایسه تطبیقی دو اثر، مضامین مشترک کرامت‌ها، نوع و جهت آن‌ها در حکایت‌های دو کتاب آورده خواهد شد.

به‌طور کلی در کتاب‌هایی از این نوع (مقامات)، بر موضوعاتی مانند کرامات و خرق عادات، بیان شگفتی‌ها و پای بندی‌های شیخ به سنت و طرز رفتار او با دیگران و امثال آن‌که برای عوام جذاب است، بیشتر تأکید می‌شود. (غلامرضایی، ۱۳۸۸) بنابراین، اغلب کتاب‌هایی که درباره مشایخ و بزرگان صوفیه نوشته شده است، دربردارنده‌ی فصلی درباره کرامات اولیا می‌باشد. در کتاب‌های موردبحث ما نیز به کرامات خواجه بسیار پرداخته شده، به‌طوری‌که مفصل‌ترین بخش کتاب انیس الطالبین یعنی قسم چهارم به کرامات اختصاص یافته است. اگرچه در سایر قسم‌ها نیز کراماتی از ایشان نقل شده است. به همین دلیل در

این پژوهش به طور مفصل تر به بررسی، تحلیل و مقایسه کرامات، انواع و جهت آن‌ها در دو اثر مورد نظر (انیس الطالبین و مقامات) پرداخته می‌شود.

پرسش اصلی این پژوهش این است که چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی بین مطالب این دو اثر، بخصوص در بخش کرامات وجود دارد. اگرچه درباره خواجه بهاء‌الدین نقشبند و طریقت او مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده اما هیچ‌کدام به مقایسه این دو اثر (انیس الطالبین و مقامات نقشبند) و تطبیق حکایات آن‌ها با یکدیگر نپرداخته‌اند. با وجود این در اینجا به برخی از این آثار اشاره می‌شود.

پیشینه پژوهش

قاضی (۱۳۸۸) در کتاب "خواجه بهاء‌الدین نقشبند و نقشبندیه در دوره تیموری" به معرفی خواجه بهاء‌الدین و طریقت نقشبندیه و همچنین ارتباط نقشبندیان با تیموریان پرداخته است. سمیعی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه طریقت نقشبندیه در تاریخ تصوف اسلامی" بیان می‌دارد طریقت نقشبندی که در قرن پنجم هجری قمری به وجود آمده است در تاریخ تصوف اسلامی یکی از طریقت‌های مهم به شمار می‌آید. مردان بزرگی از این فرقه‌ی تصوف برخاسته و به نشر افکار مربوط به این طریقت اقدام کرده‌اند. آقاحسینی و یلمه‌ها (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان "انیس الطالبین و عده السالکین از کیست؟" به این نتیجه دست یافته‌اند که از این کتاب دو تحریر وجود دارد: مفصل و مختصر. در تحریر مفصل، به صراحت از صلاح بن مبارک بخاری به‌عنوان نویسنده یاد شده است، در حالی که در منابع و در فهرست‌ها، این کتاب به خواجه محمد پارسا و عم او، حسام بن یوسف بخاری نیز منسوب است. انتساب کتاب به حسام بن یوسف بخاری با دلایلی روشن، کاملاً مردود است. همچنین نسبت دادن آن به صلاح بن مبارک، به دلایلی شک و تردید ایجاد می‌کند، اما به قطع و یقین نیز نمی‌توان آن را رد کرد؛ اما انتساب کتاب به خواجه محمد پارسا به دلایلی درست می‌نماید یا اینکه حداقل باید انتساب تحریر مفصل را به صلاح بن مبارک با اندکی تردید پذیرفت و انتساب تحریر مختصر را به خواجه محمد پارسا قطعی دانست.

عثمان ارازی (۱۳۸۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "نقشبندیه در دوره تیموریان" به بررسی فرقه نقشبندیه در دوران تیموریان (۷۸۳-۹۱۳ ه) پرداخته است. نقشبندیه طریقتی بود منسوب به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند (۷۱۷-۷۹۱ ه). ولی بهاءالدین محمد را بنیان‌گذار و مؤسس نمی‌توان شمرد، طریقه او در حقیقت دنباله‌رو طریقه خواجهگان بود، طریقه و سلوکی که خواجه عبدالخالق غجدوانی (م. ۵۷۵ ه) بنیان نهاده بود. خواجه بهاءالدین که خود از جانشینان خواجه عبدالخالق غجدوانی تعلیم یافته بود، احیاکننده و مجدد طریقت خواجهگان شد و بعدها به واسطه شهرت و اعتبار او به نقشبندیه معروف گردید. بعد از بهاءالدین خلفا و جانشینان او مثل علاءالدین محمد عطار (متوفی ۲ ۸۰ ه) و خواجه محمد پارسا (متوفی ۸۲۲) و نظام‌الدین خاموش (متوفی ۸۶۰) و سعدالدین کاشغری (متوفی ۸۶۰) بر مسند ارشاد نشستند و در ترویج و اشاعه این طریقت نقشی داشتند. بعد از اینان خواجه عیدالله احرار (۸۰۶-۸۹۵) آمد که مشهورترین و متنفذترین شیخ طریقت نقشبندی در عصر تیموری است و در عهد او این طریقت به اوج نفوذ و شهرت و رواج رسید. رساله حاضر در یک مقدمه، چهار فصل و یک فصل پایانی تنظیم شده است. در فصل اول به بررسی اجمالی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی قرن هشتم هجری معاصر نقشبندیان پرداخته شده است. فصل دوم با عنوان "نقشبندیان در دوره نخست حکومت تیموریان" به بررسی زندگی بنیان‌گذار این طریقت در این دوره، وجه تسمیه نقشبند، آموزه‌های سیاسی و اعتقادی این فرقه و کرسی نامه آن اشاره و مورد تبیین قرار گرفته است. در فصل سوم با عنوان نقشبندیان در دوره میانی حکومت تیموریان به زندگی و شخصیت خلفای بهاءالدین محمد از جمله، خواجه محمد عطار، خواجه حسن عطار و دیگران پرداخته شده و نحوه ارتباط آنان با دربار تیموری را مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل چهارم با عنوان نقشبندیان در دوره پایانی حکومت تیموریان نیز زندگی مشایخ نقشبندی در این دوره مثل عیدالله احرار، عبدالرحمان جامی، ملاحسین واعظ کاشفی و دیگران پرداخته شده و کمیت ارتباط آنان با سلاطین تیموری را بیان می‌دارد. نگارنده بیشترین تکیه را بر این فصل داشته است؛ زیرا در این دوره بود که طریقت نقشبندی به اوج اهمیت، شهرت، نفوذ و اعتبار رسید و سلاطینی همچون ابوسعید میرزا و

سلطان حسین بايقرا نهايت توجه و احترام را نسبت به مشايخ طريقت نقشبندي (از جمله عبيدالله احرار) قائل بودند و در بسياري از مسائل با آنان به مشورت مي‌نشستند و از نفوذ آنان در مصالحه‌ها بهره مي‌جستند. در فصل پاياني نيز روابط نقشبنديان با ديگر طريقت‌هاي اين دوره اشاره و علل و عوامل گسترش طريقت نقشبندي در دوره تيموريان موردبرسي قرار گرفته است. مدرسي چهاردهي (۱۳۵۳) نيز در مقاله "سلسله نقشبنديه" به معرفي اين سلسله و بزرگان آن پرداخته است.

۱. خواجه بهاءالدين محمد نقشبند

خواجه بهاءالدين محمد نقشبند بخاري، در محرم سال ۷۱۸ هجری در قصر عارفان به دنيا آمد. (بخاری، ۱۳۷۱؛ محمدعلی، ۱۳۸۶؛ زرین کوب، ۱۳۸۹). برخی سال تولد او را ۷۲۸ و محل تولد وی را بخارا (حقیقت، ۱۳۸۳) نوشته‌اند. برخی نیز سال ۷۲۱ را به عنوان سال تولد او ذکر کرده‌اند. (همان) نام جدش را بعضی محمد و بعضی جلال‌الدین نوشته‌اند. ممکن است که محمد نامش و جلال‌الدین لقب او باشد. جد بهاءالدين از مريدان و معتقدان خواجه محمدبابای سماسی، شیخ صوفیان خواجهگانی بوده است. (بخاری، ۱۳۷۱) سه روز از ولادت بهاءالدين گذشته بود که جدش او را به خدمت خواجه محمد بابا سماسی به قصر هندوان برد و خواجه محمد، بهاءالدين را به فرزندى قبول کرد و درباره او گفت امید است که مقتدای روزگار گردد. (بخاری، ۱۳۷۱ / جامی، ۱۳۸۶ / محمدباقر، ۱۳۸۶) پس از آن نور در باطن ایشان سر بر می‌زده است و در زمان طفولیت عجایب و غرایب از ایشان مشاهده شده است (محمد علی، ۱۳۸۶) از جمله: از زبان مادر بهاءالدين نقل شده که فرزندش (بهاءالدين) در سن چهارسالگی تولد گوساله مهچه پیشانی را پیشگویی کرده بود و اتفاقاً بعد از چندماه، گوساله به همان شکل که او گفته بود، به دنيا آمد. (بخاری، ۱۳۷۱) خواجه بهاءالدين ۱۸ ساله بود که جدش او را به سماس، نزد خواجه سماسی فرستاد، سپس به سید امیر کلال که خواجه سماسی، تربیت و شفقت در حق بهاءالدين را از او خواسته بود پیوست. (محمدعلی، ۱۳۸۶؛ بخاری، ۱۳۷۱) بعد از او چندی در خدمت عارف ریو گروی (متوفی ۶۴۷)، از خلفای امیر کلال به سر برد. مدتی نیز (حدود ۶ سال) در خدمت سلطان

خلیل آتای بود و ظاهراً در دستگاه او محتسب یا قاضی شرع شد. پس از سقوط خلیل آتای (۷۴۷) به بخارا برگشته، عزلت اختیار کرد و به تربیت و ارشاد مریدان مشغول شد (زرین کوب، ۱۳۶۹)

بهاءالدین چندی نیز ملازمت علما می نمود و احادیث می خواند و آثار صحابه رضی الله عنهم معلوم می کرد. دو بار به سفر حج رفت. علاوه بر این در طول دوران حیات، برای سیر و سلوک و دیدار مشایخ، به شهرها و روستاهای بسیاری در خراسان و ماوراءالنهر از جمله: سمرقند، ریورتون، نسف، سمنان، مرو، طوس، مشهد، غدیوت و... سفر کرد. (بخاری، ۱۳۷۱) او سرانجام در سن هفتاد و سه سالگی، در سال ۷۹۱ هجری در روستای قصر عارفان در بخارا (محل تولدش) درگذشت و قبر وی در آنجا زیارتگاه دوستداران او گردید.

علاوه بر رساله قدسیه که مجموعه سخنان و کلمات بهاءالدین نقشبند است، چند رساله دیگر نیز از جمله: الأوراد البهائیه، اوراد صغیر، رساله الواردات، کتاب دلیل العاشقین و حیات نامه در نصایح و مواعظ را به او نسبت داده اند که برخی موجود و برخی فقط نامی از آن ها در کتاب ها هست. (بخاری، ۱۳۷۱)

۱-۱. طریقت نقشبندیه

نقشبندیه، طریقتی منسوب به خواجه بهاءالدین نقشبند بخارایی است؛ اما بهاءالدین را نمی توان بنیان گذار و مؤسس این طریقت به حساب آورد. طریقه او در واقع دنباله طریقه خواجهگان است. طریقه و سلوکی که خواجه یوسف همدانی (۴۴۰-۵۳۵) و خواجه عبدالخالق غجدوانی (ف ۵۷۵) بنیان نهاده بودند. خواجه بهاءالدین که خود از جانشینان خواجه عبدالخالق تعلیم یافته بود، محیی و مصلح طریقت خواجهگان شد و طریقت نقشبندی آمیخته ای از تعالیم عبدالخالق غجدوانی و بهاءالدین بخارایی گردید. (بخاری، ۱۳۷۱). این سلسله نسبت خرقة خود را به ابوعلی فارمدی از مشایخ قدیم خراسان می رسانیدند (زرین کوب، ۱۳۸۹) خواجه محمود انجیر فغنوی، خواجه علی رامینی، خواجه محمدبابا سماسی و سیدامیر کلال استاد بهاءالدین نقشبند از مشایخ این طریقه اند.

تصوف نقشبندی، سنتی معتدل و میانه‌رو داشت. پیروی از سنت و حفظ آداب شریعت و دوری از بدعت اساس این طریقت است و در آن خلوت، عزلت، ذکر جهر و سماع نیست. (واعظ کاشفی، ۱۳۵۶). آنچه در تعالیم نقشبندی بیش از همه تکرار شده، یکی اتباع سنت و حفظ شریعت است و دیگر توجه به حق و نفی خواطر. بنا به نوشته نویسندگان این طایفه، طریقه نقشبندی همان طریقه صحابه کرام -رضی الله عنهم- است با رعایت این اصل که نه چیزی بر آن روش بیفزایند و نه چیزی از آن بکاهند. از جمله جامی در نفحات الانس نوشته: «طریقه ایشان اعتقاد اهل سنت و جماعت است و اطاعت احکام شریعت و اتباع سنن سید المرسلین و دوام عبودیت که عبارت است از دوام آگاهی به حق سبحانه بی مزاحمت شعور به وجود غیری» (جامی، ۱۳۸۶). همین میانه‌روی نقشبندیان و پای‌بندی آن‌ها به شریعت باعث شد که بسیاری از عالمان دین به این طریقه گرایش پیدا کنند.

بنای طریقت نقشبندی بر یازده عبارت است که در متون مختلف به همین شکل به کار رفته است. این عبارت‌ها شامل: هوش در دم، نظر بر قدم، سفر در وطن، خلوت در انجمن، یادکرد، بازگشت، نگاهداشت، یادداشت، وقوف عددی، وقوف زمانی و وقوف قلبی است. هشت عبارت نخست نهاده خواجه عبدالخالق غجدوانی است که بهاء‌الدین نقشبند سه عبارت آخر را به آن‌ها افزوده است. (بخاری، ۱۳۷۱) نقشبندیه اگرچه در بخارا به وجود آمد، اما در طی یکصد سال به مناطق مجاور دنیای اسلام راه یافت. این طریقت در هرات، کابل، کشمیر، خراسان، قفقاز، ماوراءالنهر، شام، مصر، بلاد عثمانی و... شهرت و رواج پیدا کرد.

۱-۲. نقشبندیه پس از بهاء‌الدین

پس از بهاء‌الدین خلفای او خواجه علاء‌الدین عطار (ف ۸۰۲)، محمدپارسا (ف ۸۲۲) و یعقوب چرخ‌چی (ف ۸۵۱) بر مسند ارشاد نشستند. سعدالدین کاشغری، جامی و خواجه عبیدالله احرار نیز از بزرگان این طریقت‌اند که در ترویج آن سهم بسزایی داشته‌اند. این طریقت، در عهد جامی و عبیدالله احرار، به اوج نفوذ و شهرت رسید و پایتخت‌های

تیموریان در خراسان - هرات و سمرقند - مجمع و مرکز صوفیان نقشبندی شد. این سلسله از عهد سیدامیر کلال مربی و استاد بهاءالدین، همواره، مورد حمایت فوق العاده و تکریم و اعتقاد پادشاهان و شاهزادگان تیموری بود.

نقشبندیه بعدها در هند هم نفوذ تمام یافت و بخصوص در دوره اقتدار مغول هند تأثیر و نفوذ مشایخ آن‌ها بسیار زیاد بود و اغلب سلاطین آن سرزمین به این سلسله منسوب بودند. (زرین کوب، ۱۳۷۷) این سلسله در زمان شیخ احمد سرهندی (امام ربانی) که وی را مجدد الف ثانی خوانده‌اند با نام سلسله مجددی در هند تجدید و احیا شد (۱۰۳۴-۹۷۱). در زمان مولانا خالد (۱۲۴۲ از اکراد سلیمانیه) این سلسله در ایران، کرمانشاهان و کردستان توسعه یافت و از طریق جانشینان او به عراق، سوریه و ترکیه رسید و عده‌ای از علمای اهل سنت و صاحب منصبان دولتی در این کشورها از پیروان این سلسله شدند. مولانا خالد موفق شد طریق نقشبندیه را به‌عنوان قدرتمندترین و مؤثرترین طریقت صوفیان در خاورمیانه پی‌ریزی نماید (اوزدالگا، ۱۳۸۹). بعد از درگذشت مولانا خالد هیچ‌گونه رهبری متمرکزی برای این طریقه به وجود نیامد؛ اما عقاید سیاسی که زیربنای آن بود، حقیقتاً باقی مانده است. اکنون این طریقت در اکثر مناطق مسلمان نشین آسیا (به‌ندرت در میان اعراب) و نیز ترکیه، بوسنی و هرزگوین و منطقه ولگا-اورال، مریدانی دارد.

«مولانا خالد نیز مانند سرهندی نکات جدیدی به سنت‌های آیینی نقشبندیه علاوه کرد. سرهندی و شاه ولی‌الله از جوانب مختلف به شرح و توضیح ماهیت طریقت می‌پرداختند و مولانا خالد در دوره‌ای که موجودیت طریقت نقشبندیه با خطر تهدید مواجه بود، برای این که استمرار آن را در بین مسلمانان تضمین کند دوباره بر نقش مرکزی شریعت در نقشبندیه پافشاری نمود. توجه او به شریعت را می‌توان با حساسیت اسلاف او چون خواجه احرار قابل مقایسه دانست. خواجه احرار از نفوذ و تأثیری که بر ابوسعید و سلطان احمد داشت بهره برد و مولانا خالد نیز از دولت عثمانی که آن را با همه فراز و فرودهایش حامی دین می‌دید، درخواست حمایت و راهنمایی کرد.» (الگار، ۱۳۹۸)

۳-۱. نقشبندیه و تشیع

نقشبندیه، طریقه‌ای است که سنی خالص است (جامی، ۱۳۷۰) و پایه و اساس آن حفظ آداب شریعت، تقید به سنت و دوری از بدعت می‌باشد (بخاری، ۱۳۷۱). طریقه نقشبندی در سرزمین‌های سنی نشین ماوراءالنهر و خراسان رواج داشته و خواه‌ناخواه صوفیان شیعی روابط خوبی با نقشبندیان نداشته‌اند. باوجوداین نقشبندیان نیز مانند دیگر اهل سنت و جماعت دوستدار خاندان رسول اکرم (ص) هستند؛ و نسبت به اهل بیت ایشان، محبت و ارادت دارند. (همان)

۲. معرفی سیره نویسان

۱-۲. صلاح بن مبارک بخاری

به تصریح متن کتاب انیس‌الطالبین، از مؤلف آن، صلاح بن مبارک بخاری، هیچ خبری در دست نیست. تنها در کتاب "هدیه العارفین" بدون ارائه سندی تاریخ وفات او سال ۷۹۳ قید شده است. (بخاری، ۱۳۷۱) صلاح بن مبارک، احتمالاً از اهل طریقت و پیرو نقشبندیه بوده که در سال ۷۸۵ توسط خواجه علاءالدین عطار به درک محضر بهاءالدین نقشبند در محل قصر عارفان نائل گشته است. (جامی، ۱۳۷۰) جز آنچه گفته شد، اطلاع دیگری از مؤلف این کتاب در دسترس نیست.

• رابطه صلاح بن مبارک با خواجه بهاءالدین محمد نقشبند

بنا به گفته مؤلف در متن کتاب انیس‌الطالبین، ایشان از طریق خواجه علاءالدین عطار، به حضور بهاءالدین رفته است. وی می‌گوید: «قائد هدایت و سائق عنایت به حکم رؤیاء صالحه این بنده ضعیف "صلاح بن مبارک البخاری" را در سنه خمس و ثمانین و سبع مایه به خدمت خواجه علاء الحق عطار رسانید و به واسطه ایشان به نظر قبول... حضرت شیخ بهاء الحق و الدین... مشرف گشتم و چون طریقت ایشان صحبت بود، به درویشان ایشان، مصاحب شدم.» (بخاری، ۱۳۷۱)

مؤلف درباره تألیف کتاب گفته تصمیم داشتم آیات بینات ولایت را جمع نمایم اما دوستی گفت: پیش از شما خواجه یوسف (از مریدان خواجه بهاءالدین) قصد چنین کاری داشته لکن خواجه بهاءالدین در آن زمان به ایشان اجازه نداده‌اند. به این دلیل توقف کردم اما بعد از مرگ خواجه بهاءالدین، از خواجه عطار اجازه گرفتم و به تألیف این کتاب مشغول شدم. (همان)

۲-۲. خواجه محمد پارسا

خواجه محمد پارسا که برخی تألیف کتاب انیس‌الطالبین را به وی نسبت داده‌اند (آقاحسینی، ۱۳۹۲ و صفا، ۱۳۷۵) خواجه جلال‌الدین (یا شمس‌الدین) محمد بخاری از بزرگان مشایخ نقشبندی و از اصحاب و خلفای خواجه بهاءالدین محمد نقشبند است که در سال ۷۵۶ (ق) در بخارا به دنیا آمد. عنوان "پارسا" از سوی پیر و مرشدش به وی داده شد و پس از مرگ خواجه بهاءالدین جانشین او در بخارا گردید. وی در سال ۸۲۲ (ق) در بازگشت از مکه و هنگام اقامت در مدینه از دنیا رفت. آثار متعددی به فارسی در شرح مسائل عرفانی بنا بر طریقت نقشبندیان داشت. از معروف‌ترین آن‌ها، فصل الخطاب، رساله قدسیه و شرح فصوص الحکم است. (صفا، ۱۳۷۵)

۲-۳. ابوالحسن محمدباقر بن محمدعلی، صاحب مقامات نقشبند

از متن مقامات نقشبند اطلاعاتی درباره مؤلف آن به دست نمی‌آید. تنها در مقدمه‌ای که وی بر کتاب نوشته است، خواجه بهاءالدین را شیخنا، سیدنا و مولانا، خوانده و تصمیم گرفته است رساله‌ای در مقامات و معارف و کرامات و خوارق عادات حضرت خواجه بنویسد که البته به سبب عوایق زمان و کثرت آفاق دوران چندی به تأخیر افتاده اما سرانجام در سال ۸۰۴ هجری قمری شروع و صورت اتمام یافته است. (محمدعلی، ۱۳۸۶) مؤلف، تنها یک‌بار در ضمن یک حکایت از خود سخن گفته که: «روزی این ضعیف که جمع کننده این آثار و انوار ولایت است در بخارا بودم در صحبت درویشان حضرت خواجه و...» (همان) که البته از این حکایت نیز اطلاعی از وضعیت مؤلف دریافت نمی‌شود.

۳. معرفی سیره‌ها

۳-۱. انیس الطالبین و عده السالکین

این کتاب که یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین کتاب‌ها در اصول طریقت نقشبندیه و احوال مؤسس آن می‌باشد، به استناد کهن‌ترین نسخه شناخته‌شده کتاب، و با مقابله چند نسخه، توسط خلیل ابراهیم صاری اوغلی در تاریخ ۸۲۳ هجری شمسی تصحیح شده است. مؤلف کتاب، بنا به تصریح انیس الطالبین، صلاح بن مبارک بخاری است و کتاب در قرن هشتم هجری تألیف شده است. البته آقاحسینی در تحقیقی به این نتیجه رسیده که این کتاب احتمالاً متعلق به خواجه محمد پارسا می‌باشد. (آقاحسینی، ۱۳۹۲)

منابعی از قبیل رشحات عین الحیات که میان اهل تحقیق از امهات مآخذ این طریقت به شمار می‌آید، نیز قدسیه (کلمات بهاءالدین نقشبند) و بخش‌های مربوط به طریقت نقشبندیه در نفحات الانس جامی، گزیده‌ها و یا نقل جمله به جمله‌ای از محتویات و مطالب کتاب انیس الطالبین را دربردارند. (صلاح بن مبارک، ۱۳۷۱)

این کتاب با حمد خداوند، صلوات و درود بر پیامبر و آل و اصحاب او که به اعتقاد مؤلف، نجوم هدایت و رجوم اعداء هستند، آغاز می‌شود. سپس بعد از بیان علت تألیف در چهار قسم به این ترتیب به رشته تحریر درمی‌آید: قسم اول: در تعریف ولایت و ولی، قسم دوم: در شرح ابتدای احوال خواجه و ذکر سلسله خواجهگان، قسم سوم: در بیان صفت، احوال، اقوال و اخلاق خواجه بهاءالدین و قسم چهارم: در ذکر سایر کرامات و ظهورات و احوال و آثار خواجه. (همان)

کتاب‌های مقامات که انیس الطالبین نیز از نوع آن‌هاست، جزو نثرهای تبلیغی به شمار می‌آیند. در این نوع نثر، بیشتر بر موضوعاتی مانند کرامات، خرق عادت، بیان شگفتی‌ها و پایبندی‌های شیخ نسبت به سنت و طرز رفتار او با دیگران که برای عوام مردم جذاب‌تر باشد، تأکید می‌شود. نثر این گونه کتاب‌ها معمولاً ساده‌تر از کتاب‌های تعلیمی است و در بیشتر موارد نزدیک به نثر گفتار می‌باشد. (غلامرضایی، ۱۳۸۸) دلیل آن‌هم این است که مخاطب آنان بیشتر مردم عادی هستند. در متن کتاب انیس الطالبین، از آیات، احادیث،

اشعار عربی و فارسی استفاده شده است. ابیات عربی به کاررفته در کتاب به نسبت ابیات فارسی اندک و تنها سه بیت می‌باشد؛ اما تعداد اشعار فارسی ۹۶ بیت و ۱۱ مصرع است.

۲-۳. مقامات حضرت خواجه نقشبند

این رساله (به قول مؤلف آن)، توسط ابوالحسن محمدباقر بن محمدعلی، در سال ۸۰۴ هجری جمع‌آوری شده است. به گفته مؤلف، هدف از جمع این اوراق ذکر حضرت نقشبند با شرح احوال، آثار، اطوار و خوارق عادات ایشان می‌باشد که از کتب معتبره و یا از خلفای بهاءالدین مثل حضرت خواجه علاءالدین عطار و جناب حضرت قطب الاولیا یعنی خواجه محمدپارسا که بی‌واسطه یا با واسطه نقل کرده‌اند منقول است. مؤلف، بهاءالدین را ندیده و چنانچه گفته شد مطالب را با واسطه از دیگران یا از کتاب‌های دیگر نقل کرده است؛ اما از وی با عناوین شیخنا، سیدنا و مولانا یاد می‌کند. (محمدباقر بن محمد، ۱۳۸۶)

این رساله که با حمد خداوند به زبان عربی آغاز شده شامل مقدمه‌ای در بیان ولادت و نسبت سلسله خواجه بزرگ، سه مقصد شامل: مقصد اول: درمبادی احوال حضرت خواجه، مقصد دوم: در بیان سلوک حضرت ایشان و مقصد سوم: در بیان کرامات و خوارق عادات ایشان و یک خاتمه می‌باشد.

۴. مقایسه انیس الطالبین با مقامات از نظر محتوا و مضمون

مقامات نقشبند شامل حدود ۳۰۰ حکایت است که محتوای اغلب آن‌ها (حدود ۲۱۲ حکایت) با کتاب انیس الطالبین مشترک است، البته حکایت‌های موجود در مقامات گاهی نسبت به حکایت‌های انیس الطالبین کوتاه‌تر و گاهی بلندتر است. نامی از مقامات در انیس الطالبین نیامده در حالی که در مقامات یک‌بار از کتاب انیس الطالبین و مؤلف آن سخن گفته شده و مؤلف به سخن صلاح‌الدین استناد کرده است. (محمدباقر، ۱۳۸۶)

این دلایل حاکی از آن است که احتمالاً یکی از منابع اصلی مؤلف مقامات، کتاب انیس الطالبین بوده است. محمدباقر بن محمد (مؤلف مقامات) گفته که این اوراق (مقامات)

را از کتب معتبره یا از خلفای بهاءالدین مثل علاءالدین عطار و خواجه محمد پارسا بی واسطه یا باواسطه نقل کرده است. (همان)

در هر دو متن، از آیات، احادیث و اشعار فارسی استفاده شده است. تعداد اشعار فارسی به کاررفته در مقامات ۱۱۰ بیت و ۱۱ مصرع است که بیش از اشعار انیس الطالین (۹۶ بیت و ۱۱ مصرع) می‌باشد. اغلب اشعار در هر دو کتاب مشترک است.

پیش‌ازاین در معرفی انیس الطالین گفته شد که نثر این گونه کتاب‌ها (مقامات) معمولاً ساده و قابل فهم برای مخاطب و در اغلب موارد نزدیک به نثر گفتار است. در اینجا یادآور می‌شویم باوجود این ویژگی‌ها نثر مقامات از انیس الطالین ساده‌تر، قابل فهم‌تر و به زبان امروزی نزدیک‌تر است، لغات سخت، و اصطلاحاتی که برگرفته از زبان مردم ناحیه (محل نوشتن کتاب) می‌باشد در مقامات، بسیار کمتر از انیس الطالین است؛ و این امر سادگی و روانی نثر این کتاب را بیشتر می‌کند.

برای نشان دادن تفاوت‌های نثر دو کتاب در اینجا چند نمونه ذکر می‌شود:

«نقل کردند: خواجه علاء الحق والدین - طیب الله تربته - که از برکه نظر حضرت خواجه ما - قدس الله روحه - در اندک فرصتی، درویشان حضرت ایشان را احوال چنان می‌شد که از حظوظ بشری و اوصاف نفسانی بالکلیه خلاص می‌یافتند. تا به مثابه که اگر طعام خوردندی، طعم آن را معلوم نمی‌کردند، از شیرینی و تلخی. می‌آرند که درویشی طعام غیر معهود می‌خورده است. او را پرسیده‌اند که این چه طعام است؟ گفته است: طعام حال من دارد زیرا حالت قبض را طعم دیگر است و حالت بسط را طعم دیگر.» (بخاری، ۱۳۷۱)

اکنون همین حکایت از مقامات نقل می‌شود:

«نقل کرده‌اند خواجه علاءالدین عطار - طیب الله تربته - که از برکت نظر مبارک حضرت خواجه ما - قدس الله سره العزیز - در اندک فرصتی احوال درویشان ایشان چنان می‌شد که از حظوظ بشری و اوصاف نفسانی بالکلیه خلاص می‌شدند. به مثابه‌ای که اگر طعامی می‌خوردند طعم آن را معلوم نمی‌کردند از ترشی و شیرینی و تلخی. آورده‌اند که درویشی طعامی خورده است او را پرسیده‌اند: «این چه طعام است؟ گفته است طعام حال

من دارد زیرا که حالت قبض را طعم دیگر است و حالت بسط را طعم دیگر.» (محمدباقر، ۱۳۸۶)

- «کسی از حال من واقف نبود» (بخاری، ۱۳۷۱)

- «کسی از حال من اطلاع نداشت» (محمدباقر، ۱۳۸۶)

- «درویشان را گفتند که این بیت را یاد گیریت» (بخاری، ۱۳۷۱)

- «درویشان را فرمودند که این بیت را یاد گیرید» (محمدباقر، ۱۳۸۶)

- «نتیجه عمل به آن وصیت معاینه می گشت» (بخاری، ۱۳۷۱)

- «نتیجه آن ظاهر می شد» (محمدباقر، ۱۳۸۶)

حکایت‌های هر دو کتاب تقریباً در همه موارد از زبان یک نفر نقل شده است و آن یک نفر، در اغلب موارد، خواجه علاءالدین عطار، درویش، دانشمند، شیخ شادی، شیخ امیر حسین و شیخ خسرو می‌باشد.

۵. جایگاه زن در انیس الطالبین

حکایت‌های نقل شده درباره مادر، نشان‌دهنده جایگاه بلند و ارزشمند مادر در این کتاب است. در سه حکایت از والده سخن گفته که در همه موارد با احترام فراوان از ایشان یاد می‌کند. در یک حکایت درباره چگونگی رفتار با زنان سخن گفته و خطاب به کسی که با اهل خود بحثی کرده بود از زبان خواجه می‌گوید: با جماعت زنان حسن معیشت می‌باید کرد «... و تا امکان است رعایت می‌باید کرد قصه حضرت رسالت را- علیه الصلوه والسلام- نشنوده که موی کنیزک را به دست مبارک خود گرفتند تا او بر سر خود آب ریخت و ایستاده غسل آورد و این همه از برای رعایت خواطر خواتین است.» (بخاری، ۱۳۷۱)

۶. جایگاه زن در مقامات نقشبند

به‌طور کلی در هشت حکایت این کتاب به زنان مختلف اشاره شده است. در چهار حکایت از والده خواجه با احترام فراوان یاد می‌شود (مقامات، ۱۴۹، ۱۲۵، ۱۱۰، ۱۱) و در یک

حکایت از جدّه صالحه ایشان سخن گفته شده که تعبیر خواب می دانسته و خواب خواجه را چنانکه بعدها برایش اتفاق افتاده تعبیر کرده است. (همان)

در حکایتی نقل شده که مولانا درویش نام با ضعیفه خود نزاع کرده بود و خاطر عورت از وی خسته شده حضرت خواجه التفات از وی گرفتند، هرچند اصحاب را شفیع آوردند قبول نشد. بعد از آن حضرت خواجه به منزل آن ضعیفه رفتند و روی مبارک خود را بر آستان آن عورت نهاده عذر خواستند که این گناه را او نکرده است من کرده‌ام. از این الطاف ایشان آن عورت و جمعی از جمله تایبان و مخلصان شدند. (همان) در جایی دیگر خواجه به حُسن معیشت با زنان سفارش می کند (همان) و در حکایتی دیگر از درویشی سخن می گوید که خواجه با نگرستن به او، او را از حال برده و باز به حال آورده بود پس از آن ضعیفه صالحه‌ای که از محارم آن درویش بوده این واقعه را شنیده نزدیک درویش آمده و نشسته است صفت درویش بر آن ضعیفه عکسی زده و او بی هوش افتاده است. زمانی دراز بر آن صفت مانده وقتی به خود آمده آن صفت به تمام از وی زایل نشده بوده است. تا مدت یک سال اثر آن صفت بر آن ضعیفه بوده حال و کار او قوی شده و آثار بزرگی از آن ضعیفه مشاهده می شده است (همان) مجموع حکایاتی که درباره زنان در این کتاب نقل شده نشان می دهد خواجه نسبت به زنان بخصوص والده خویش بسیار با احترام رفتار می کرده‌اند.

۷. کرامات

کرامت در اصطلاح عارفان، ظهور امر خارق عادت از شخصی است که مقارن دعوی نبوت باشد و نزد اهل شرع خارق عادت است که به دست اولیا گذرد. (گوهرین، ۱۳۸۸: ج ۹) اغلب کتاب‌هایی که درباره مشایخ و بزرگان صوفیه نوشته شده فصلی درباره کرامات اولیا دارد؛ به عبارت دیگر کمتر شیخی را می یابیم که کراماتی برای او نقل نشده باشد هرچند مشایخ بزرگ و آنان که به کمال نائل گشته‌اند اصولاً به کرامت توجه زیادی نداشته‌اند و آن را برای سالکان مبتدی و تقویت یقین مریدان لازم می دانسته‌اند. البته همین کرامات هم درجاتشان با هم متفاوت بوده «چنانکه بیشتر خرق عادات که آن را کرامات

می‌گویند در مقام (کشف روحانی) پدید می‌آید از اشراف بر خواطر و اطلاع بر مغیبات و عبور بر آب و آتش و هوا، طی زمین و غیر آن؛ و این کرامات را اعتبار زیادی نیست زیرا برای اهل دین و غیر اهل دین می‌تواند باشد؛ اما آنچه که به حقیقت می‌توان کرامات خواند و جز برای اهل دین نیست، آن است که بعد از کشف روحی در مکاشفات خفی پدید آید زیرا که روح برای کافر و مسلمان هست اما خفی روحی حضرتی است خاص که فقط به خاصان حضرت می‌دهند.» (رازی، ۱۳۹۱)

«ستون فقرات تصوف نظریه ولایت است. همان‌گونه که تشیع را بی‌مفهوم "امام" نمی‌توان تصور کرد، عرفان و تصوف را هم بدون مفهوم ولایت نمی‌توان به‌درستی شناخت. از درون نظریه امامت شیعی، معجزات ائمه به ظهور می‌رسد و از درون نظریه ولایت عرفانی کرامات اولیا.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲) کرامات در حقیقت، بیان‌کننده میزان تقرب ولی در درگاه الهی و نشان‌دهنده درجه شایستگی او در به دست آوردن موهبت و عطای خداوندی است.

کرامات را می‌توان به دو گروه معنوی و مادی طبقه‌بندی کرد. منظور از کرامات معنوی، کراماتی است که در جهان ذهن و روح اتفاق می‌افتد و سرچشمه آن به دنیای ذهن بازمی‌گردد و مقصود از مقوله مادی، کرامتی است که راوی داستان مدعی می‌شود که صاحب کرامت تغییر در قوانین فیزیکی جهان ایجاد کرده یا امری را که به‌طور طبیعی در عرف و عادت امکان‌پذیر نبوده ممکن ساخته است. (همان)

۷-۱. کرامات در انیس الطالبین

مفصل‌ترین بخش این کتاب یعنی قسم چهارم به کرامات خواجه اختصاص یافته هر چند در سایر قسمت‌ها نیز کراماتی از ایشان نقل شده است. تعداد کرامات معنوی بیشتر (حدود ۹۴) از کرامات مادی (حدود ۸۶) می‌باشد. انواع کرامات معنوی و مادی به‌کاررفته به این شرح است:

۷-۱-۱. کرامات معنوی

- فراست یا ذهن خوانی: (۸۲، ۹۹، ۱۳۱، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۲، ۳۰۴، ۳۶۶)
- پیشگویی: (۸۰، ۸۲، ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۳۵۲)
- آگاهی داشتن از آنچه برای دیگران درجا یا زمان دیگری روی داده است: (۸۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۸۱، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۶۶، ۳۷۴)
- جداسدن روح و برگشتن آن به بدن (۱۵۷)
- هدایت مرید در خواب: (۳۵۰)

۷-۱-۲. کرامات مادی

- ارتباط با حیوانات: (۱۸۰، ۲۲۵، ۲۲۵، ۳۱۲، ۳۲۲)
- حاضر شدن غذا یا... درجایی که انتظارش نیست. (۱۸۶، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۵، ۳۱۹، ۳۲۰)
- شنیدن صدایی غیبی: (۸۶، ۸۶، ۹۶)
- دیدن آنچه دیگران نمی بینند: (۸۷)
- طی مکان: (۹۲، ۱۶۹، ۱۸۰، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۵۸، ۳۷۴)
- دیدن خضر: (۱۰۸، ۲۸۰)
- از حال بردن و باز به حال آوردن کسی: (جداکردن روح از قالب تن و بازبرگرداندن آن به بدن): (۹۳، ۹۴، ۹۴، ۱۷۸، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۴۴، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۸۷، ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۴)
- ایجاد تغییر در شرایط آب و هوا: (۱۹۲، ۲۰۹، ۲۳۵، ۲۵۷، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۲)

- مستجاب شدن دعا: (۲۲۱، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۷، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۳۰۶، ۳۱۷)

- برآب رفتن خودش یا دیگران به خواست او: (۲۴۱، ۲۹۸)

- ایجاد برکت در خوردنی: (کم نشدن از آن با وجود خرج کردن) (۲۴۵، ۲۹۴)

- صحبت کردن با مرده: (۲۵۶)

- شنیدن صدای تسبیح سبب: (۲۵۶)

- شفای مریض یا مریض کردن سالم: (۲۶۷، ۲۹۹، ۳۴۱، ۳۴۷)

- نسوختن دست در آتش تنور: (۲۹۶)

چنانچه ملاحظه می شود تعداد کرامات معنوی (۸۹) بیش از کرامات مادی (۸۶) است. در بین کرامات معنوی، آگاهی داشتن از آنچه برای دیگران درجا یا زمان دیگر روی داده بیش از دیگر کراماتها می باشد. از هوش بردن و باز به هوش آمدن افراد توسط خواجه در میان کرامات مادی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.

۷-۱-۳. جهت کرامات در انیس الطالبین

یکی از مواردی که میزان باورپذیر کردن کرامات تا حد زیادی به آن‌ها بستگی دارد جهت بیان کرامات است. در واقع بررسی و تشخیص جهت کرامت نشان دهنده دیدگاه شیخ نسبت به امور مختلف می باشد. جهات کرامات در انیس الطالبین عبارت اند از:

- کمک به مریدان و هدایت آن‌ها: (۸۱، ۸۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۱۹، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۰۲، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۰، ۳۷۴، ۳۷۴)

- زیاد شدن اعتقاد به خواجه و دیگر درویشان: (۸۲، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۹، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹)

۲۶۷، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۶،
۳۰۶، ۳۱۱، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۷

- بیان جایگاه والای شیخ و ارتباط نزدیک او با خدا: (۸۰، ۸۶، ۸۷، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۴،
۹۴، ۹۶، ۹۶، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۸۳، ۱۸۷،
۱۸۹، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۸،
۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۶۶)

- مؤثر بودن نفرین و دشنام شیخ: (۱۲۲)

- یاری‌رساندن به دیگران: (۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۲۱، ۲۳۹، ۲۶۲، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۹۹،
۳۱۱، ۳۲۰، ۳۵۲)

- دقت ایشان در حلال بودن خوراک: (۱۹۵، ۲۵۱)

- توجه به رعایت خاطر خواتین و زنان: (۲۱۸)

چنانکه ملاحظه می‌شود، بیشترین میزان در بخش جهت کرامات، به موضوع کمک کردن به مریدان و هدایت آن‌ها با ۶۷ مورد است. ۵۱ مورد نشان‌دهنده جایگاه والای معنوی شیخ و ۴۶ مورد به جهت زیادشدن اعتقاد دیگران به خواجه و سایر درویشان آورده شده است. ۱۴ مورد یاری‌رساندن خواجه به مردم و دو مورد حساسیت ایشان را درباره حلال بودن خوراک نشان می‌دهد. یک مورد بیان‌کننده اثر نفرین و دشنام شیخ در حق دیگران و یک مورد نیز نشان‌دهنده اهمیت دادن شیخ بهاء‌الدین به زنان می‌باشد.

۲-۷. کرامات در مقامات نقشبند

۱-۲-۷. کرامات معنوی

- فراست یا ذهن‌خوانی: (۸۹، ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۹،
۱۴۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۶۷)

- پیشگویی: (۱۱، ۸۴، ۹۱، ۹۲، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۳۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹)

- آگاهی داشتن از آنچه برای دیگران درجا یا زمان دیگری روی داده است: (۸۸، ۹۰،
۹۳، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۷)

- ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۵
- ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۰، ۱۷۰، ۱۷۱ (۱۷۱)
- جداسدن روح و برگشتن آن به بدن: (۱۵، ۱۹، ۱۹)
 - رسیدن الهام: (۱۰۱، ۱۲۵)
 - هدایت مرید در خواب: (۱۰۳)

۲-۲-۷. کرامات مادی

- ارتباط با حیوانات: (۲۱، ۲۲، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۴۲، ۱۴۳)
- حاضر شدن غذا یا... درجایی که انتظارش نبود: (۹۷، ۹۸، ۹۸، ۱۵۲، ۱۷۳)
- شنیدن صدای غیبی: (۱۳، ۲۰)
- آسیب دیدن کسی به سبب بی ادبی به خواجه: (۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۵)
- دیدن آنچه دیگران نمی بینند: (۱۵، ۱۲۱، ۱۲۴)
- (از هوش بردن و باز به هوش آوردن کسی) (جداسدن روح از بدن و بازگرداندن آن به تن): (۱۸، ۸۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۴، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۸، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲)
- طی مکان توسط خودشیخ یا دیگران به خواست او: (۹۱، ۱۰۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۳، ۱۶۸)
- دیدن خضر: (۱۰۹، ۱۲۱)
- دعا و مستجاب شدن آن برای رفع فتنه و...: (۸۹، ۹۲، ۹۲، ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۱)
- ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۵، ۱۵۶
- برآب رفتن خود او یا دیگران به خواست او: (۹۴)
- ایجاد برکت در خوردنی: (۱۵۲، ۱۶۳)
- شنیدن صدا و ارتباط با گیاهان و جمادات: (۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۱)
- شفای مریض یا مریض کردن سالم: (۱۶۵)
- از خاصیت افتادن آتش یا آب: (۱۰۹، ۱۲۵، ۱۶۵)

- تأدیب و ارشاد دیگران (غیر از مریدان): (۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۶۵، ۱۶۱، ۱۷۵)

۳-۷. مقایسه کرامات در انیس الطالبین با کرامات در مقامات نقشبند

کرامات در دو کتاب با اختلافات اندکی به هم نزدیک می‌باشد. در انیس الطالبین کرامات معنوی (۸۹) بیش از کرامات مادی (۸۶) است در حالی که در مقامات تعداد کرامات مادی (۹۴) بیشتر از کرامات معنوی (۷۲) می‌باشد. در هر دو کتاب آگاهی از آنچه برای دیگران رخ داده در میان کرامات معنوی بیش از سایر کرامات‌هاست. از هوش بردن و باز به هوش آوردن افراد توسط خواجه نیز در هر دو کتاب بیشترین میزان را در میان کرامات‌های مادی به خود اختصاص داده است.

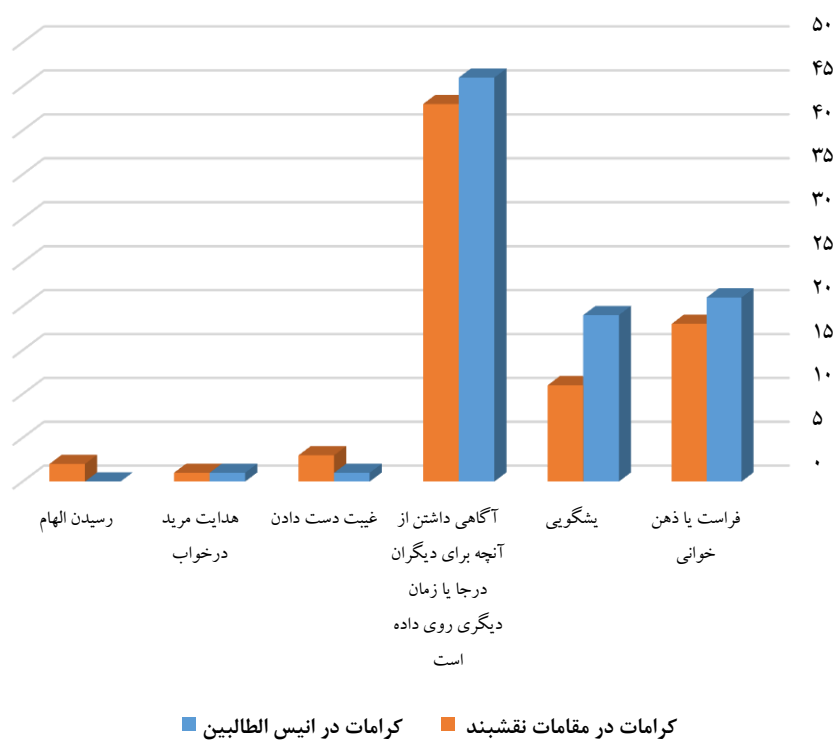
در بخش جهت کرامات نیز در کتاب انیس، کمک به مریدان بیشترین میزان را دارد و در کتاب مقامات همین عنوان مریدان با اختلاف یک عدد (۵۴ مورد)، پس از زیادشدن اعتقاد دیگران در حق خواجه (۵۵ مورد) در ردیف دوم قرار گرفته است. یاری‌رساندن به دیگران در مقامات ۱۷، در انیس ۱۴، دقت در حلال بودن خوراک در مقامات ۳، در انیس ۲، رعایت خاطر زنان در مقامات ۲، در انیس ۱، زیادشدن اعتقاد دیگران در مقامات ۵۵ مورد، در انیس، ۴۶ مورد، بیان جایگاه والای شیخ در مقامات ۴۹ و در انیس، ۵۱ مورد می‌باشد. علاوه بر این‌ها در مقامات ۸ مورد در جهت تأدیب و ارشاد دیگران (غیر از مریدان) آورده شده است.

باوجود اینکه تعداد کرامات مادی در هر دو کتاب زیاد است اما بلاغت نویسندگان به گونه‌ای است که بسیاری از آن‌ها را برای خواننده قابل‌باور می‌سازد و در اغلب حکایات‌ها جایگاه والای اخلاقی خواجه به‌وضوح نمایانده شده است. هدف از نوشتن حکایات، اغلب مثبت و به جهت آموزش نکات اخلاقی و منع دیگران از خطا و لغزش می‌باشد.

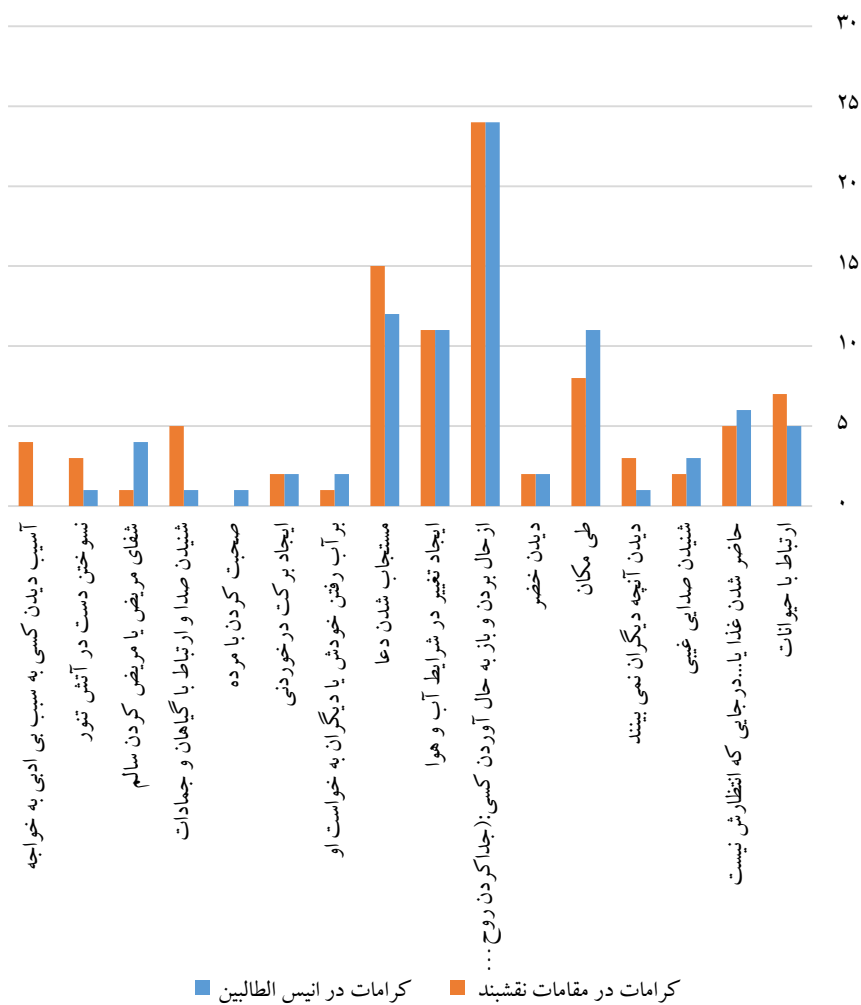
جدول ۱. مقایسه انواع کرامات معنوی و مادی در انیس الطالبین و مقامات نقشبند

کرامات در مقامات نقشبند	کرامات در انیس الطالبین	کرامات	
۱۸	۲۱	فراست یا ذهن خوانی	کرامات معنوی
۱۱	۱۹	پیشگویی	
۴۳	۴۶	آگاهی داشتن از آنچه برای دیگران درجا یا زمان دیگری روی داده است	
۳	۱	جداشدن روح و برگشتن آن به بدن	
۱	۱	هدایت مرید در خواب	
۲	۰	رسیدن الهام	
۷۸	۸۸	مجموع کرامات معنوی	
۷	۵	ارتباط با حیوانات	کرامات مادی
۵	۶	حاضر شدن غذا یا... درجایی که انتظارش نیست	
۲	۳	شنیدن صدایی غیبی	
۳	۱	دیدن آنچه دیگران نمی بینند	
۸	۱۱	طی مکان	
۲	۲	دیدن خضر	
۲۴	۲۴	از حال بردن و باز به حال آوردن کسی: (جدا کردن روح از قالب تن و باز برگرداندن آن به بدن)	
۱۱	۱۱	ایجاد تغییر در شرایط آب و هوا	
۱۵	۱۲	مستجاب شدن دعا	
۱	۲	بر آب رفتن خودش یا دیگران به خواست او	
۲	۲	ایجاد برکت در خوردنی	
	۱	صحبت کردن با مرده	
۵	۱	شنیدن صدا و ارتباط با گیاهان و جمادات	
۱	۴	شفای مریض یا مریض کردن سالم	
۳	۱	نسوختن دست در آتش تنور	

کرامات		کرامات در انیس الطالبین	کرامات در مقامات نقشبند
آسیب دیدن کسی به سبب بی ادبی به خواجه	۰	۴	
مجموع کرامات مادی	۸۶	۹۳	
مجموع کرامات	۱۷۴	۱۷۱	



نمودار ۱. مقایسه کرامات معنوی در انیس الطالبین و مقامات نقشبند

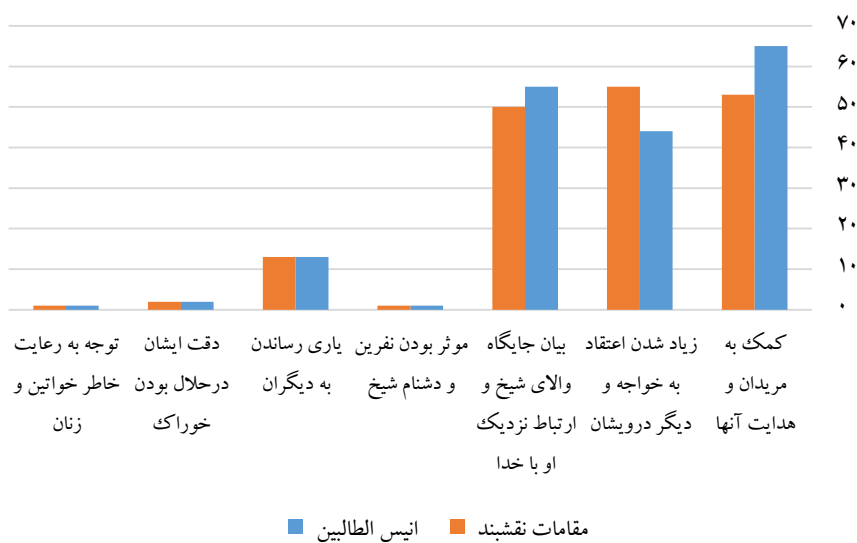


نمودار ۲. مقایسه کرامات مادی در انیس الطالبین و مقامات نقشبند

جدول ۲. مقایسه جهت کرامات در انیس الطالبین و مقامات نقشبند

مقامات نقشبند	انیس الطالبین	جهت کرامات در انیس الطالبین
۵۳	۶۵	کمک به مریدان و هدایت آنها
۵۵	۴۴	زیاد شدن اعتقاد به خواجه و دیگر درویشان
۵۰	۵۵	بیان جایگاه والای شیخ و ارتباط نزدیک او با خدا
۱	۱	مؤثر بودن نفرین و دشنام شیخ

مقامات نقشبند	انیس الطالبین	جهت کرامات در انیس الطالبین
۱۳	۱۳	یاری رساندن به دیگران
۲	۲	دقت ایشان در حلال بودن خوراک
۱	۱	توجه به رعایت خاطر خواتین و زنان
۱۷۵	۱۸۱	مجموع



نمودار ۳. مقایسه جهت کرامات در انیس الطالبین و مقامات نقشبند

بحث و نتیجه گیری

پس از بررسی دو کتاب مقامات و انیس الطالبین و مقایسه آنها مشخص شد بخش‌های زیادی از مقامات نقشبند با انیس الطالبین مشترک است و این امر نشان‌دهنده این است که احتمالاً انیس الطالبین یکی از جمله منابع عمده مؤلف مقامات نقشبند بوده است. نثر دو کتاب از نوع نثر ساده و روان است اما نثر مقامات نقشبند به دلیل کمی لغات دشوار و محلی، ساده‌تر و قابل فهم‌تر از نثر انیس الطالبین است.

در هر دو این آثار تعداد زیادی اشعار فارسی به کاررفته اما در مقامات تعداد این اشعار بیش از انیس‌الطالبین است. تعداد اشعار عربی تنها سه بیت و آن‌هم مربوط به انیس‌الطالبین می‌باشد.

زن و بخصوص مادر در هر دو کتاب از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است و در هیچ جای این دو اثر توهین و یا نشانه‌ای از بی‌توجهی و بی‌احترامی شیخ نسبت به زنان دیده نشد.

در انیس‌الطالبین درصد کرامات معنوی و در مقامات نقشبند، کرامات مادی بیشتر است. در هر دو کتاب آگاهی از آنچه برای دیگران رخ داده در میان کرامات معنوی، و از هوش بردن و باز به هوش آوردن افراد در میان کرامات مادی، بیش از سایر کرامات‌ها است.

بلاغت نویسندگان و شیوه بیان آن‌ها به گونه‌ای است که در بسیاری موارد (و نه همه) داستان‌ها را برای خواننده باورپذیر می‌سازد. حکایت‌ها اغلب بیان‌کننده فراست شیخ است. جهت کرامات تا حد زیادی در دو اثر به هم نزدیک است. کمک به مریدان، بالا بودن مقام معنوی شیخ و زیاد شدن اعتقاد دیگران در حق خواجه و سایر درویشان مهم‌ترین جهت‌های کرامات در هر دو کتاب می‌باشد. یاری‌رساندن به دیگران، دقت در حلال بودن خوراک، و رعایت خاطر زنان در هر دو کتاب با درصد پایین‌تری جزو جهت‌های کرامات می‌باشند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Hajar Jamali

Maryam Hosseini



<https://orcid.org/0000-0003-1067-1484>



<https://orcid.org/0000-0001-6778-1188>

منابع

- ارازی، عثمان. (۱۳۸۳). *نقشبندیه در دوره تیموریان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- آقاحسینی، حسین و یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۲). انیس‌الطالبین از کیست. *نشریه مطالعات عرفانی*، ۱(۱۷)، ۵-۲۰.
- الگار، حامد. (۱۳۹۸). *نقشبندیه*. ترجمه داود وفاپی. تهران: مولی.
- اوزدالگا، الیزابت. (۱۳۸۹). *نقشبندیه در آسیای غربی و مرکزی*. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بخاری، صلاح بن مبارک. (۱۳۷۱). *انیس‌الطالبین و عده‌الساکین*. تصحیح و مقدمه: خلیل ابراهیم صاری اوغلی، به کوشش: توفیق سبحانی. تهران: کیهان.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۸۶). *نفعات الانس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: سخن.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۹۱). *مرصاد العباد*. به اهتمام محمد امین ریاحی. تهران: علمی و فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۷). *ارزش میراث صوفیه*. ج ۸. تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۸۹). *دنباله جستجو در تصوف ایران*. تهران: امیر کبیر.
- سمیعی، سید مهدی. (۱۳۸۷). جایگاه طریقت نقشبندیه در تاریخ تصوف اسلامی. *نشریه رودکی*، ۳(۲۴)، ۱۲۵-۱۳۴.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *زبان شعر در نثر صوفیه*. تهران: سخن.
- صفا، ذبیح‌الدین. (۱۳۷۵). *تاریخ ادبیات در ایران*. ج ۴. تهران: فردوس.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۸). *سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- قاضی، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). *خواجه بهاء‌الدین نقشبند و نقشبندیه در دوره تیموری*. سندج-کردستان: انتشارات کردستان.
- گوهرین، سید صادق. (۱۳۸۸). *شرح اصطلاحات تصوف*. ج ۱. چ ۱. تهران: زوار.
- محمدباقر بن محمدعلی. (۱۳۸۶). *مقامات حضرت خواجه نقشبند*. به کوشش: عبدالله نقشبندی مجددی شمسی. تهران: گل نشر.
- مدرسی چهاردهی، نورالدین. (۱۳۸۲). *سلسله‌های صوفیه ایران*. تهران: علمی فرهنگی.
- منزوی، احمد. (۱۳۷۴). *فهرست نسخه‌های خطی*. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- واعظ کاشفی، مولانا فخرالدین علی بن حسین. (۱۳۵۶). *رشحات عین‌الهیات*. به تصحیح علی اصغر معینیان. ج ۱. تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.

References

- Aghahosseini, H., Yalmeha, A. (2013). *Anis-al-talebin az kist*. Journal of Mystical Studies, 1(17), 5-20. [In Persian]

- Arazi, O. (2004). *Naqshbandiyya dar dore Teymorian*. Master Thesis, Tehran Tarbiat Moalem University. [In Persian]
- Bokhari, S. (1992). *Anis-al-talebin va Edeh-al-sakin*. Correction and Introduction by Sari Ooghli, Kh. With the efforts of Sobhani, T. Tehran: Keihan [In Persian]
- Elgar, H. (2010). *Naghshbandieh*. Translated by Vafae, D. Tehran: Mola. [In Persian]
- Ghazi, A. (2009). *Khaje Baha-al-din Naqshband va Naqshbandiyya dar Doreye Teymori*. Sanandaj-Kordestan: Kurdistan Publications. [In Persian]
- Gholamrezaie, M. (2009). *Sabkshenasi Nasrhaye Soufianeh*. Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Goharin, S. S. (2009). *Sharhe Estelihat Tasavof*. 1st volume. First Edition. Tehran: Zavvar. [In Persian]
- Modaresi Chardehi, N. (2003). *Selselehayee Sofiyeh Iran*. Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian]
- Mohammad Ali, M. B. (2007). *Maghamat Hazrate khaje Naqshband*. With the Efforts of Naqshbandi Mojadadi, A. Tehran: Golnashr. [In Persian]
- Monzavi, A. (1995). *Fehreste Noskhehaye Khati*. Tehran: Regional Culture Institute Publications. [In Persian]
- Nor-al-din, A. (2007). *Nafahat-al-ons*. Corrected by Abedi, M. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Ozdelga, E. (2010). *Naghshbandieh dar Asiaye Qarbi va Markazi*. Tehran: Research Institute of Islamic History.
- Razi, N. (2012). *Mersad-al-ebad*. With the efforts of Riahi, M. A. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Safa, Z. (1996). *Tarikhe Adabiat dar Iran*. 4th volume. Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Samiee, S. M. (2008). Jaygahe Tarighat Naqshbandiyeh dar Tarikhe Tasavof Eslami. *Rudaki Magazine*, 3(24), 125-134. [In Persian]
- Shafi'i Kadkani, M. R. (2013). *Zaban Sher dar Nasre Soffiye*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Zarinkob, A. (1998). *Arzeshe Mirase Soffiyeh*, Eighth edition, Tehran: Amirkabir [In Persian]
- _____. (2010). *Donbaleh Jostejo dar Tasavof Iran*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Vaeze Kashafi, M. (1977). *Rshahat Ain Alahieat, With the Efforts of Moeineian*. VOL 1. Tehran: Nouriani Charity Foundation. [In Persian]

استناد به این مقاله: جمالی، هاجر و حسینی، مریم. (۱۴۰۱). مقایسه تطبیقی دو کتاب انیس الطالبین و مقامات خواجه بهاءالدین نقشبند. *متن پژوهی ادبی*، ۲۶(۹۳)، ۳۵-۶۴. doi: 10.22054/LTR.2020.44214.2741



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.